

موضوع: مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک ۶

روش‌شناسی مهندسی فقه زیست‌فناوری / فصول بیستگانه‌ی فقه مهندسی ژنتیک.

بسم الله الرحمن الرحيم

ساختاربندی باید آن‌سان باشد که مباحث دانش از انسجام درونی و تمایز برونی برخوردار گردد.

در جلسه گذشته راجع به «منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک» بحث کردیم. در این جلسه می‌خواهیم درباره ساختار فقه زیست‌فناوری بحث کنیم. یکی از مسائل مهم هر علمی، از جمله دانش فقه قلمداد می‌شود ساختار و هندسه علم است، ساختاردهی دانش نو یا بخش جدیدی از دانش موجود به جهت بی‌پیشینگی، بطور مضاعف ضرور و لازم و در عین حال بسیار دشوار و حوصله‌سوز است.

ساختاربندی باید آن‌سان باشد که مباحث و مسائل یک دانش از سویی دارای انسجام درونی گردد و از دیگرسو از تمایز برونی برخوردار باشد؛ چنین مساله‌ای نیازمند منطق مناسبی است. درحقیقت، این مسئله از فروع و شاخه‌های مسئله‌ی معروف «مناط وحدت و تمایز علم»، قلمداد می‌شود. بر اساس آن و طبق نظریه مختار در آن مساله، باید روش‌شناسی‌ای را ارائه کرد تا انبوه مسائلی که در یک علم یا در بخش مهمی از یک علم قابل طرح است، صورت‌بندی شود.

سه عنصر مهم دخیل در مهندسی مباحث فقه زیست‌فناوری:

ما اینجا درصدد بحث تفصیلی در این باره نیستیم، در جای خود (در دروس فلسفه اصول) به این مبحث به تفصیل پرداخته ایم. این جا می‌خواهیم فقط به اجمال چارچوبی را ارائه کنیم تا فروع فقهیه‌ای که ذیل عنوان فقه زیست‌فناوری قابل طرح است را بتوانیم دسته‌بندی و طبقه‌بندی کنیم.

چارچوب صورت‌بندی و ساختاردهی فروع فقهیه‌ی مهندسی ژنتیک را باید بر اساس سه نکته مشخص کرد.

این سه نکته عبارتند از:

یک. معیارهای ساختار مطلوب علم. رعایت این نکته مهم‌ترین نکته در ساماندهی مباحث علوم و بخش‌های دانش است. این نکته را در بخش مباحث مقدماتی فقه السیاسة به تفصیل بررسی کردیم.

دو. ابعاد و عرصه‌های متأثر از نهضت علمی زیست‌فناوری. این مطلب را در جلسه سوم سلسله دروس بررسی کردیم.

سه. منطق تفریع فروع و تفصیل مباحث فقه زیست‌فناوری، که آن را در جلسه گذشته بررسی کردیم. در جلسه گذشته منطق تفریع فروع و اینکه به چه نحوی می‌شود فروع فقهیه‌ی مربوط به فقه بیوتکنولوژی را استخراج کرد را بیان کردیم.

به نظر می‌رسد باید بر اساس این سه مطلبی که عرض شد به ساختاربندی و صورت‌بندی مباحث فقه بیوتکنولوژی بپردازیم.

اول اینکه: در طراحی ساختار فقه مهندسی ژنتیک، باید به اصول دوازده گانه‌ای که برای ساختار بندی یک علم باید مورد توجه قرار بگیرد توجه داشته باشیم. امروز فهرست آن اصول دوازده گانه را صرفاً بازخواهم گفت.

دوم اینکه: عرصه‌ها و ابعاد حیات بشر معاصر در زمینه‌های معرفتی و معیشتی که با مباحث و مقوله مهندسی ژنتیک درگیر است باید در نظر گرفته شود باید در تنظیم، دسته‌بندی و طبقه‌بندی فروع به این عرصه‌ها توجه شود. چنانکه به مطلب سومی که جلسه پیش از آن بحث کردیم یعنی منطق تفریح فروع هم باید توجه شود.

تا اینجا هم ذکر و ذکر ما و دوستان عزیزی که در این جلسات بحثی الآن حضور پیدا می‌کنند یا مخاطب این دروس از طریق استفاده از صورت صوتی یا کتبی هستند به این جهات توجه داشته باشند. ما باید مباحث فروع فقهی فقه مهندسی ژنتیک را به لحاظ اینها فصل بندی کنیم.

معیارهای ساختار برتر برای مهندسی علوم:

دوستان عزیزی که در دروس ما در فقه السیاسه حضور داشتند مستحضرند در بخش مبادی فقه السیاسه به تفصیل راجع به منطق و معیارهای مهندسی علوم بحث کردیم. - از دوازده معیار برای ساختار مطلوب و برتر هر علمی سخن گفتیم. گرچه آن اصول دوازده گانه، اصول عامه‌ی ساختار بندی یک علم می‌شوند. اما عمده آن اصول، باید کمابیش در ساختار بندی بخش‌های مهم یک علم نیز باید مراعات شود.

به نظر ما مهمترین معیارهای ساختار برتر برای علوم عبارتند از دوازده مطلب زیر:

۱. ساختار می‌بایست تمامی کلیات ابواب علوم و مسائل آن را در بر بگیرد.
۲. ساختار می‌بایست بگونه‌ای باشد که مسائل و گزاره‌های خارج از آن علم امکان ورود نداشته باشد و از حشو و زائد تهی باشد.
۳. مسائلی که علم از آن تشکیل می‌شود (و یکی از پنج مؤلفه علم بشمار است) باید با تمامی مؤلفه‌های دیگر سازگار بوده و از انسجام لازم برخوردار باشد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: مبادی نظری علم، موضوع علم، غایت علم، روش علم.
۴. ساختار باید از جهت سیر مباحث از ترتیب منطقی برخوردار باشد. ترتیب منطقی آنگاه که مباحث پسینی مبتنی بر مباحث پیشینی باشند امکان پذیر می‌شود. به عبارت دیگر: مباحث و بخش‌های هر دانش دارای دو وضعیت پیوستاری‌اند: «پیوستار عرضی - افقی» که دسته‌بندی مطالب را به لحاظ عرضی تامین می‌کند، و «پیوستار طولی - عمودی» که طبقه‌بندی مطالب را به لحاظ طولی تامین می‌کند. ساختار علم باید حاوی هر دو پیوستار باشد. و از جهت ارتباط میان مسائل از هر دو جهت، یعنی: رابطه‌ی عرضی هر یک از مسائل با مسائل دیگر از یک سو، و رابطه طولی هر یک از مسائل با دیگر مسائل تامین گردد.
۵. کلیه مباحث ذیل هر بابی از ابواب باید باهم پیوند منطقی داشته باشند، ضمن آنکه مرز میان هر یک از مباحث با دیگری نیز باید مشخص باشد.

۶. ساختار نقش سازنده و روشنی را در دستیابی به غرض علم ایفاء می کند (که پنجمین مؤلفه‌ی رکنی علم است) ساختار باید به تحقق غایت علم مدد برساند. باید این چنین نیز باشد. مثلاً غایت فقه بر اساس دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) عبارت است از: «برپایی حکومت اسلامی و استقرار آن و نیز اداره تمامی شوون حیاتی انسان»، پس ساختار فقه باید با ساختار عملی حکومت سازگار و برای تطبیق بر ارکان حکومت مناسب باشد.
۷. باید مباحثی که ذیل هر عنوان از عناوین (به عنوان بایی از ابواب مثلاً فقه) مطرح می شود متناسب با اغراض و مقاصد همان باب باشد و بتواند غرض آن باب را تامین کند.
۸. مباحث هر بخش و باب باید در حد امکان به صورت جامع و دقیق مطرح و تنظیم گردد که مخاطب دانش را از تکرار بی نیاز سازد.
۹. ملاک تقسیم قضایای علوم و ترتیب ابواب و تصنیف آن تا جایی که ممکن و میسر است باید یکسان باشد. یعنی بخش بندی و باب بندی در سراسر دانش باید با معیار واحد صورت بندد.
۱۰. با توجه به تطور و تکامل علوم، و تولید مسائل جدید و توسعه‌ی پیوسته آن، ساختار می بایست از ظرفیت و گنجایش پذیرش مباحث جدید برخوردار باشد. کما این که هم اکنون ما فروع فقهی فراوان و انباشته ای ذیل عنوان مسائل مستحدثه و مشابه آن داریم، که احیاناً در قالب رساله های مستقلی تدوین شده است ولی بر اساس تبویب موجود نمی توان آنها را در ابواب فقه جای داد؛ و این در حالی است که به نظر ما حجم آنچه که فقه موجود بدان نپرداخته (که تولیدشود) با حجم کنونی فقه برابری می کند.
۱۱. ساختار دانش های عملی مانند فقه، می بایست کاربردی بوده و قابل اجرا در ساحات زندگی باشد.
۱۲. ساختار دور از پیچیدگی و ابهام باشد. بلکه باید در حدی ساده و قابل درک برای فراگیران و محصلان سطوح مقدماتی رشته علمی مربوط نیز باشد.

ابعاد و عرصه های متأثر از نهضت زیست فناوری، ستون فقرات فقه آن را تشکیل می دهند:

در جلسات گذشته این سلسله دروس عرض کردیم ابعاد و عرصه های گوناگون معرفت و معیشت بشر معاصر را تحت تاثیر قرار داده، که این ابعاد و عرصه ها در تنظیم مباحث و تبویب مطالب این فقه باید لحاظ گردد. گفتیم امروز پانزده عرصه در پیوند وثیق و وسیع با مهندسی ژنتیک قرار گرفته اند. نه تنها آن پانزده عرصه باید در صورت بندی مباحث فقه مهندسی ژنتیک مورد توجه باشند. بلکه استخوان بندی مباحث، ابواب این فقه که آن را خواهیم آورد، باید مبتنی بر این پانزده عرصه باشد. در واقع فصول عمده فقه زیست فناوری بر اساس این پانزده عرصه تنظیم می شود. عرض می کنیم: فصلی خواهیم داشت به نام « احکام زیست فناوری در حوزه علم و دانش»، فصلی خواهیم داشت به نام « احکام زیست فناوری در حوزه معرفت و شناخت»، فصلی خواهیم داشت به نام « احکام زیست فناوری در حوزه اخلاق»، فصلی خواهیم داشت به نام « احکام زیست فناوری حوزه اقتصاد و تجارت» و تا آخر فصولی که در بحث ابعاد و عرصه های مرتبط با مهندسی ژنتیک ذکر شد.

بنابراین ضمن رعایت دوازده معیاری که برای صورت بندی و ساختار بندی هر علم یا بخش مهمی از هر علم باید مورد توجه باشد، در خصوص فقه مهندسی ژنتیک، باید این پانزده عرصه که بر شمردیم و نیز عرصه هایی که به آنها اشاره نکردیم یا پس از این پدید خواهند

آمد، و ممکن است مهندسی ژنتیک با آن درگیر شود، همه را در نظر بگیریم، بلکه چنان که عرض شد این فصول پانزده گانه به عنوان محورهای اصلی مباحث فقهی محض این قسم از فقه لحاظ شود.

منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل، رکن دیگر تعیین هندسه فقه زیست فناوری است:

جهت سومی که در تنظیم مباحث فقه مهندسی ژنتیک و احکام زیست فناوری و صورت‌بندی ابواب این فقه دخیل است، توجه به امری است که ما در بحث قبل آن را طرح کردیم، و آن عبارت بود از منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه زیست فناوری. گفتیم هفت جهت و نکته را در مقام تفریع فروع این بخش عمده‌ی فقهی باید در نظر گرفت. که یکی از این هفت نکته، مسئله‌ی ابعاد و عرصه‌هایی بود که مهندسی ژنتیک با آنها درگیر است. گفتیم اولین ملاحظه و وجهی که در تفریع فروع باید مورد توجه قرار گیرد، همین عرصه‌ها و ابعادی است که مهندسی ژنتیک الان با آنها درگیر است یا عرصه‌ها و ابعادی که بعد از این ظهور خواهد کرد. گفتیم در ساختاربندی دانش فقه مهندسی ژنتیک، این جهت به مثابه ستون فقرات باید لحاظ شود، علاوه بر در نظر گرفتن پانزده عرصه، فروع این عرصه‌ها را هم باید لحاظ می‌کنیم. مثلاً در زیست فناوری در موضوع زراعت و به اصطلاح مهندسی ژنتیک زراعی (و به تعبیر دقیق تر مزروعات)، می‌توانیم شاخه‌های مهندسی زراعی دارد به عنوان لایه دوم در نظر بگیریم. اگر بایی باز می‌کنیم به عنوان احکام مهندسی ژنتیک درحوزه زراعت، جهات مختلف شاخه‌ها و شعبی که ذیل این قلمرو قابل فرض هستند نیز در نظر گرفته شود. تعامل ما با خاک، تعامل ما با هسته و جبهه، تعامل ما با شجر و نبات. همچنین گونه‌های مزروعات را می‌توانیم به عنوان شعبه‌ها و شاخه‌های این فصل لحاظ کنیم. به این ترتیب، هر فصل و باب را به اقسام و ابواب کوچک‌تر تقسیم کنیم و فروع مرتبط هر یک را ذیل آن قسم قرار دهیم. بر اساس این ملاک هر عرصه‌ای دارای اقسامی می‌شود. و احیاناً ذیل هر قسمی باز اقسام جزئی‌تر می‌تواند قرار گیرد و بدین‌سان قسمت فقه مهندسی ژنتیک زراعی از نظر عرضی/افقی دسته‌بندی و بلحاظ طولی/عمودی دسته‌بندی طبقه‌بندی صورت‌بندی شود. مثلاً در جهت دیگری که در (چنان که قبلاً نیز اشاره شد) ملاحظه انواع فعل و انفعالاتی است که از سوی زیست‌شناس در حوزه کشاورزی و زراعی صورت می‌گیرد. این امر نیز بسیار بسیار در تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه زیست فناوری دخیل است؛ و قهراً در ساماندهی مباحث و تبویب ابواب فقه مهندسی زیستی باید در نظر گرفت شود. لہذا در ذیل ابواب مربوط به زراعت و در ذیل هر قسمی از هر باب، می‌توانیم بر اساس نوع تصرفات و تعدیلاتی که اعمال می‌کنیم، فروع را دسته‌بندی کنیم.

در جلسه گذشته، به تفصیل این قسمت را توضیح دادیم. چون حدود تصرفاتی که می‌کنیم یکسان و یک سطح نیست. از تصرفات ساده آغاز و تا تصرفات پیچیده و پیچیده‌تر و تا جایی که ظاهراً خلق نوعی از آن شیء می‌شود، امتداد پیدا می‌کند. مثلاً در فراوری سلول‌های بنیادین انسانی یا حیوانی. تصرفات گوناگون صورت می‌گیرد که هر گونه‌ای مسائل مختلفی را پیش روی فقیه فرار می‌دهد. بدین سان انواع تصرفات هم بدنه‌ی ساختار هر باب را می‌تواند تشکیل دهد. همینطور سایر جهات و ملاحظاتی که در درس قبلی یعنی منطق تفریع فروع در فقه مهندسی ژنتیک بیان شد و تکرار نمی‌کنیم.

خلاصه این که:

با لحاظ ۱: انواع اشیاء همعرض و موازی‌ای (مثلاً انسان، حیوان، درخت و گیاه) که مصب فرایندهای زیست فناوریانه اند؛ ۲. اقسام طولی (اجزاء و زیرمجموعه‌های) هر کدام از این اشیاء؛ ۳. انواع تصرفات و تعدیلات (فعل و انفعالاتی که بر اثر طی فرایندهای زیست

فناورانه توسط انسان بر انواع و اقسام اشیاء اعمال می‌شود) ۴. انواع فراورده‌هایی که از طی فرایندهای زیست فناورانه فراچنگ می‌آید؛ ۵. مواهب و مضرات قطعی‌ای که بر این فعل و انفعالات نسبت به مصب تصرفات اولاً، نیز نسبت به متصرف ثانیاً و نیز نسبت به غیر ثالثاً مترتب می‌شود؛ ۶. ضرر و اضرار احتمالی که گمان می‌رود بر اثر طی فرایندهای زیست فناورانه به سه طرف مزبور وارد شود؛ می‌توان دسته‌بندی و ترتیب عرضی و طبقه‌بندی و ترتیب طولی مباحث و مسائل فقه زیست‌فناوری را مشخص کرد.

البته به اضافه‌ی این نکات و جهات، باید آن دسته از «معیارهای دوازده گانه» ساختار مطلوب علوم را نیز که ممکن و لازم است در این حوزه فقهی رعایت شود مراعات کرد.

جایگاه مباحث «پیشا فقهی»، «فرافقهی» و «پسافقهی» در ساختار بخش‌های نوپیدای فقه:

تاکید می‌کنیم: این نکات و جهات برای ساماندهی فصول فقهی (فقهی محض و به معنی فقه اصغر) این قسم از فقه را مشخص می‌دارد، اما برخی مباحث نیز هست که هرچند مطالب فقهی مصطلح قلمداد نشوند باید قبل از ورود به این فصول (به عنوان قواعد و پایه‌های نظری، اخلاقی و فقهی کلی حاکم) مطرح کرد که هر یک از آنها نیز مقصد یا فصلی را تشکیل می‌دهند که شایسته است اکنون مختصری نیز راجع به آنها توضیح دهیم. در حقیقت هیکله و شاکله فقه زیست‌فناوری از مجموعه‌این مقاصد و فصول صورت نهایی و کمالی می‌بندد.

اگر بر اساس معیارهای دوازده گانه‌ای که در تبویب و ساختار بندی هر علم باید مدنظر باشد، نیز و علی الحساب، بر اساس پانزده عرصه‌ای که امروزه مهندسی ژنتیک به آن‌ها درگیر هست و بر اساس شاخه‌های هر یک از این پانزده عرصه، آمدم فقه مهندسی ژنتیک را تبویب و ترتیب عرضی و تنظیم و طبقه‌بندی طولی کردیم، پاره‌ای از مباحث لازم هست که ولو حتی رأساً و مباشرتاً مباحث فقهی قلمداد نشوند و بسا بعضی از آنها از جمله مباحث «پیشا فقهی» هستند، بعضی از آنها بسا مباحثی از نوع «فرافقهی» یا حتی «پسافقهی» به تعبیر ما قلمداد شوند هم باید. در چنین فقه‌های نوپیدایی به بحث و بررسی گذاشته شوند. گرچه ما در کلان ساختاردهی و ساختار بندی فقه هم بر همین عقیده‌ایم. در مباحث فقه السیاسه، دوستانی که در خدمتشان بوده‌ایم و الان حضور ذهن دارند، می‌دانند به تفصیل وارد این مباحث شدیم. عرض می‌کنم این مباحث چه مباحثی است. معتقدیم فقه، فقط همان فروع نیستند. هرچند اطلاق فقه به معنای اخص به فروع فقهیه محض چنان که متعارف است صحیح است. اما به نظر می‌رسد باید فقه را وسیع‌تر دید. چنان که گذشتگان و سلف صالح در این رویه بوده‌اند، بهتر است ما از این رویه سلف غفلت نکنیم. فقهای ما در گذشته، گاهی مبادی و مبانی عقیدتی را در سرآغاز کتب فقهی خود مورد بحث اجمالی قرار می‌دادند. حتی بعضی رساله‌های عملیه در بین متاخرین این چنین تنظیم شده است. پاره‌ای از عقاید را اول می‌آورند، بعد احکام فرعی را بیان می‌کردند. این مبنا‌ی درستی بوده است. الان نمی‌خواهیم بگوییم باید بین کلام و فقه درآمیخت. چنین قصد و پیشنهادی ندارم.

منطق علمی اقتضا می‌کند علوم را از هم تفکیک کنیم. ولی جا دارد در سرآغاز کتبی که در زمینه یک علم نوشته می‌شود آن اصولی که مباحث اصلی آن علم بر آنها مبتنی است مورد بحث اجمالی قرار گیرد. مخصوصاً در مباحث جدیدی که نیازمند ایجاد زیر ساخت است و باید پیش فرض‌های آراء ی که بعداً در قالب آراء فرعی فقهی مطرح خواهیم کرد، مورد اشاره قرار دهیم.

مبادی نظری (فلسفی - کلامی) مهندسی ژنتیک، فصل اول فقه زیست فناوری:

با توجه نکاتی که عرض شد: باید در اول کار فصلی به عنوان «مبادی نظری فقه مهندسی ژنتیک» باز کنیم. ما در طول مباحث فقهی به ان مبادی نظری تمسک خواهیم کرد. به نظر ما یک مقصد یا یک فصل با این عنوان باید قبل هر چیز در ساختار فقه مهندسی ژنتیک گنجانده شود.

مقصد یا فصل دومی که من پیشنهاد می‌کنم و به نظر می‌رسد لازم است در ساختار این حوزه فقهی لحاظ شود «قواعد اخلاقی» حاکم بر فقه زیست‌فناوری است. هم این معرفت نوظهور بشدت با مسائل اخلاقی فراوان مواجه است، هم در جهان این وجه بسیار مورد بحث است. در دنیا بیش از آنکه به جنبه‌های حقوقی زیست‌فناوری اهتمام کنند، بی‌آنکه به فقه مهندسی ژنتیک توجه داشته باشند که در غیر از جهان اسلام چیزی به نام فقه وجود ندارد و البته احیاناً بین یهود فقه هست، غالباً به اخلاق مهندسی ژنتیک می‌پردازند. از این زاویه به این فعل بشری و این پدیده می‌پردازند و توجه دارند. در نتیجه زمانی که شما یک بحث مبسوطی در فقه مهندسی ژنتیک ارائه می‌کنید، نمی‌توانید به این بخش که مسئله بشر امروز است و از مسائل و مباحث معرفتی متفکران و اندیشمندان، مثقفین و فرهیختگان، حقوق دانان و سیاستمداران قلمداد می‌شود بی‌تفاوت باشید. در نتیجه پیشنهاد می‌کنم باب و فصل دیگری هم در ساختار فقه زیست‌فناوری به این عنوان اضافه شود.

مقصد یا فصل سومی که بجاست قبل از پرداختن به مباحث فقهی محض در این قلمرو نوگشوده بطور گذرا بدان پرداخته شود، «قواعد اصولیه پرکاربرد» در پاسخگویی به فروع فقهیه مطرح در مهندسی ژنتیک است. گرچه نمی‌توان اصول فقه را تجزیه کرد و گفت این اصول در بخشی از فقه کاربرد دارد در بخش‌های دیگر کاربرد ندارد. اما می‌توان گفت کدام یک از قواعد اصولیه در کدام بخش از فقه، بیشترین کاربرد را دارد. اگر چنین مطلبی صحیح باشد، جا دارد اشاره‌ای کنیم به آن دسته از قواعد اصولیه‌ای که کاربرد بیشتری در استنباط فروع فقهیه‌ی فقه مهندسی ژنتیک دارد. با این تدبیر بسا بتوان پاره‌ای قواعد فاقد پیشینه و جدید و غیر مطرح در دانش اصول را که مقتضای این قسم فقهی جدید است در این فصل طرح و تبیین کرد.

مرور اجمالی بر قواعد فقهیه پرکاربرد در فقه زیست‌فناوری، بمثابة فصل چهارم

مقصد یا فصل چهارمی که پیشنهاد می‌کنیم، لاقلاً در حد اشاره به آن، بحث از قواعد فقهیه پرکاربرد است. ما قواعد فقهیه را به اشکال مختلف طبقه‌بندی می‌کنیم. قواعد فقهیه را براساس معیارها و ملاک‌های متفاوتی طبقه‌بندی می‌کنیم و در جای خودش بنده در بتفصیل این باره بحث کرده‌ام. ما می‌توانیم قواعد فقهیه را بر اساس هفت مبنا و الگو طبقه‌بندی کنیم. یکی از آنها، طبقه‌بندی قواعد بر حسب گستره قلمرو کاربست آنها به قواعد: «قواعد شامله» و «قواعد عامه» و «قواعد مختصه» و «قواعد اختصاصی» است. بعضی از قواعد تنها به یک باب اختصاص دارند و در ابواب دیگر مطرح نمی‌شوند. مثلاً «قاعده لا تعاد» به باب الصلاه مربوط می‌شود. ولی بعضی از قواعد اینگونه نیستند. قواعد عامه و شامله هستند. مثلاً اگر قاعده لا ضرر را یک قاعده فقهیه قلمداد کنیم، از این دسته است. قاعده لا حرج از این دسته است. احیاناً قاعده‌ی اضرار یا ضرر و اضرار محتمل از این دسته است. پاره‌ای از قواعد یا اختصاص به باب خاصی دارند یا در باب خاصی کاربرد بیشتری دارند. منظورم این قسم اخیر است. پاره‌ای از قواعد فقهیه بیشترین کاربرد را در مباحث فقه مهندسی ژنتیک خواهد داشت. در مقام استنباط مربوط به فروع فقهیه‌ی این بخش از فقه، به آن قواعد بیشتر تمسک کرده و از آن قواعد، احکام را اصطیاد خواهیم کرد. در نتیجه خوب است ما به مثابه یک مقصد یا فصل مستقل به آنها به صورت علمی بپردازیم.

به این ترتیب، فصل چهارم می‌شود قواعد فقهیه‌ی مرتبطه. قواعد فقهیه‌ای که ارتباط وثیق و احیاناً کاربرد وسیعی در فقه مهندسی ژنتیک دارد.

فصول بیستگانه‌ی فقه زیست‌فناوری

به این ترتیب ابواب فقه مهندسی ژنتیک با چهار فصل و باب «مبادی نظری مرتبط با مهندسی ژنتیک»، «قواعد اصولیه پر کاربرد مرتبط با مهندسی ژنتیک»، «قواعد اخلاقیه مرتبط با مهندسی ژنتیک»، و «قواعد فقهیه‌ی پر کاربرد و مرتبط با مهندسی ژنتیک» آغاز می‌شود. سپس با پانزده عرصه‌ای که گفتیم هر یک می‌تواند موضوع یکی از ابواب و فصول قلمداد شود، نوزده باب و فصل را تشکیل خواهد داد. و نیز فصلی که به عنوان ملاحظه در آخر افزوده می‌شود، به نظر ما یک باب پایانی در ساختار فقه مهندسی ژنتیک - و حتی در کل فقه و هر یک از ابواب عمده فقه - جا دارد به طور کلی مورد توجه و بحث قرار گیرد و احیاناً اگر توفیق حاصل شد در پایان این قسم از فقه نیز به آن خواهیم پرداخت. آن مطالب و مباحثی است که می‌تواند به مثابه متمم به فقه مهندسی ژنتیک ملحق شود. ان شاء الله الهادی الموفق.

به این ترتیب در حال حاضر ما مباحث مربوط فقه مهندسی ژنتیک را در بیست باب می‌توانیم ببندیم. البته چنان که عرض شد، هرگز ساختار یک علم بسته نمی‌شود و همچنان باید قابلیت توسعه داشته باشد. خصوصاً در موضوعات جدیدی مثل مسئله فقه مهندسی ژنتیک که آن موضوع، مسئله و مقوله پیوسته در حال فتح عرصه‌های جدید است. مهندسی ژنتیک دارد عرصه‌های جدیدی را در حیات انسان فتح می‌کند. هر عرصه‌ای که فتح و کشف شود، به مثابه موضوع برای فقه مهندسی ژنتیک تلقی خواهد شد و بابتی بر ابواب فقه مهندسی ژنتیک خواهد افزود. اینجا ما با لحاظ وضع موجود و با توجه به این جهت که بناست یک دوره‌ی اجمالی به مباحث فقه مهندسی ژنتیک بپردازیم و نمی‌خواهیم به تفصیل وارد شویم، این بیست باب را به بحث می‌نهمیم. مجموعه عنوانهای به ترتیب زیر خواهد بود:

فعلی ما مرّ: قد تُنسَقُ فقه التكنولوجيا الحيويّة في عدّة فصول كالتالي:

الفصل الأوّل: في المبادئ/القواعد النظرية المرتبطة بفقه التكنولوجيا الحيويّة.

الفصل الثاني: في القواعد الأخلاقية المرتبطة بفقه التكنولوجيا الحيويّة.

الفصل الثالث: في القواعد الأصولية المرتبطة بفقه التكنولوجيا الحيويّة و و كثيرة الإستعمال فيها

الفصل الرابع: في القواعد الفقهية المرتبطة بفقه التكنولوجيا الحيويّة (ما كان من القواعد كثير الإستعمال في هذا الحقل).

الفصل الخامس: في مسائل المجالات العلمية.

الفصل السادس: في مسائل المجالات المعرفية.

الفصل السابع: في مسائل المجالات العقديّة.

الفصل الثامن: في مسائل المجالات الأخلاقية و القيمية.

الفصل التاسع: في مسائل المجالات القضائية و الجزائية.

الفصل العاشر: في مسائل المجالات الإجتماعية و الثقافية.

الفصل الحادي عشر: في مسائل المجالات الصحية و الطبية.

الفصل الثاني عشر: في مسائل المجالات الصيدلانية و الدوائية.

الفصل الثالث عشر: في مسائل المجالات الزراعية.

الفصل الرابع عشر: في مسائل المجالات الغذائية.

الفصل الخامس عشر: في مسائل المجالات البيئية.

الفصل السادس عشر: في مسائل المجالات الصناعية.

الفصل السابع عشر: في مسائل المجالات الاقتصادية و التجارية.

الفصل الثامن عشر: في مسائل المجالات الأمنية.

الفصل التاسع عشر: في مسائل المجالات العسكرية و العدائية.

الفصل العشرون: في الملاحق.

خاتمة: في مصطلحات فقه التكنولوجيا الحيوية.

ادامه دروس فقه زیست فناوری در ماه رمضان

روز اول هم عرض کردیم در واقع با لحاظ شرایط کرونایی، نخواستیم ادامه‌ی مباحث فقهی و اصولی که در طول هفته و سال داشتیم بحث کنیم. می‌خواهیم از این شرایط مساعد اجتماعی استفاده کنیم و تا پایان سال بحث مرتبط با این پدیده را مطرح کنیم. این را هم عرض کنم، هم کسانی که از طریق گوشی‌ها و از شبکه اینترنتی Eshia برای حضور در جلسه مجازی درس استفاده می‌کنند و هم دوستانی که در رسانه‌ها و احیاناً کانال‌ها صورت صوتی این بحث را دنبال می‌کنند، و هم فضلا و دوستانی که صورت کتبی این مباحث را در کانالها و رسانه‌های مکتوب و خبرگزاری‌ها دنبال می‌کنند، عرض می‌کنم به فضل الهی و به اذن و عنایت الهی بنا داریم ماه مبارک رمضان درس را تعطیل نکنیم. بحث فقه مهندسی ژنتیک را همچنان در روزهای زوج هفته در ماه مبارک رمضان ان شاءالله ادامه خواهیم داد. کما اینکه اگر خدای متعال همچنان توفیق نصیب ما بفرماید، بعد از ماه رمضان هم این مباحث را ادامه می‌دهیم تا بتوانیم مباحث را به یک نقطه به اصطلاح نقطه سرخط برسانیم و مباحث این حوزه موضوعی جدیدی که آغاز کرده‌ایم ناتمام و ناقص نماند. سال بعد ما به فقه‌السیاسه و نیز فقه‌القضا و خارج اصول و نیز خارج فلسفه اصول که طی سنوات مشغول بودیم باز خواهیم گشت. لهذا بنا داریم هرچند فشرده و گذرا و مروری، مجموعه مباحث عمده‌ای که در فقه مهندسی ژنتیک قابل طرح هست را در همین سلسله

دروس تا پایان سال تحصیلی یا احياناً بعد از سال تحصیلی حسب زمان بندی حوزه‌ها و شايد احياناً مدتی از تابستان اين بحث را ادامه می‌دهيم. تا انشاالله اين بحث کامل شود. پس ماه رمضان ساعت هفت تا هشت صبح درس ما تعطيل نخواهد بود.